



پیامدهای عینی وجود شرطیت عدالت در مناصب و عدم

تیمور امین ناصری^۱

عباس سماواتی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

چکیده

در شریعت اسلام وقفه امامیه وجود عدالت در رهبر (حاکم)، مرجع تقلید، قاضی، امام جماعت و جمعه، شاهد، امین، حاکم بر اموال ایتم، وصی و امانت‌گیر شرط است. انشاء این تکلیف، نشان از اهمیت عدالت در فقه اسلام دارد. باید صاحبان منصب از رهبر تا پایین‌ترین سطح از شرط شرعی عدالت بهره‌مند باشند. که نمونه آن در حکومت نبوی و علوی در صدر اسلام مشاهده و سازوکار آن بصورت کلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی و فرامین امامین انقلاب اسلامی و احکام مسئولیتی و حکومتی قابل دستیابی است. هدف پژوهش بررسی پیامدهای وجود یا فقدان شرطیت عدالت در مناصب حکومتی در مقطع کنونی و ارائه راهکار قابل بهره‌برداری متولیان نظام اسلامی است. دستاورد و نتیجه اعمال شرط عدالت در کارگزاران، رشد معنوی و مادی جامعه، توزیع عادلانه ثروت، رفاه و امنیت است، و با عدم وجود و اعمال شرطیت عدالت در مناصب؛ جامعه دچار تزلزل، تشتت، فاصله طبقاتی، ظلم و فساد اقتصادی، قلب واقعیت و تحریف ارزش‌های الهی و انسانی خواهد شد. لازم است خلاءهای قانونی اعمال شرطیت عدالت در مناصب حکومتی، خصوصا در مناصب میانی حاکمیت با تقنین قوانین مورد نیاز و اعمال آن توسط مراجع مجری و ناظر جبران گردد. نوشته حاضر ضمن اثبات ضرورت و لزوم وجود عدالت در مناصب به پیامدها و نتایج عینی وجود و نبود آن در حاکمیت به روش تحلیلی و توصیفی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: پیامدهای عینی، شرطیت عدالت، فقه امامیه، مناصب.

مقدمه

^۱ دانشجوی دوره دکترا فقه و حقوق اسلامی-اندیشه امام خمینی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Production1345@gmail.com

^۲ استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

ab.sama@chmail.ir

عدالت در نظام هستی، تفسیر بالعدل قامت السموات و الارض است. وجود عدالت در انسان، ملازمت تقوی در ترک محرمات (با نمونه‌های انبیاء اولیاء و انسان‌های وارسته و متقی) و عدالت در اجتماع بشری پیامدش ایجاد حکومت عدالت گستر، اعمال سیاست و عمل به اقتصاد عادلانه در گستره حاکمیت است. پرسش از ثمرات وجود شرط عدالت و عدم وجود آن در مناصب حکومتی پرسشی است از نقش بی‌بدیل وجود شرطیت عدالت و کارامدی فقه حکومتی و نظام‌ساز و اندیشه سیاسی شیعه که عهده‌دار رسالت و آرمان انقلاب اسلامی، نظام سیاسی، دولت، کشور و تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر است. به این دلیل که تحقق عدالت در تشریح یا عدالت تدوینی همواره در معرض انحراف، انسداده، نارسایی، کج فهمی، هرج و مرج و فساد انسانی قرار دارد. پیامدهای وجود شرطیت عدالت در سه عنصر کلیدی اجتماع یعنی حاکمان، مردم و سیستم حکومتی و اداری که تعامل میان حاکمان و مردم را عهده‌دار است؛ راهبردی است که می‌تواند منجر به تشکیل جامعه عادلانه گردد. جامعه‌ای که موصوف به فراوانی نعمت، رضایت مندی مردم، وجود عدالت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... برخوردار از وحدت و یکپارچگی و پاسدار حقوق اساسی عامه مردم است. پیامد نبود عدالت؛ جوّ لان افراد مستکبر و صاحب نفوذ، قانون شکن، قانون گریز و نتیجه اش در اجتماع، محرومیت‌ها، فقر، بیکاری، گرانی، روابط ناسالم قدرت و ثروت، انواع فسادهای مالی و اداری، هدر رفتن ثروت عمومی و در مضیقه قرار گرفتن فعالیت‌های تولید محور و اقتصاد مقاومتی کشور خواهد بود. لازم است با اعمال شرط عدالت در مناصب حکومتی و عدم بکارگیری مدیران و مسئولان غیر عادل، عوامل و گلوگاه‌های اصلی بی‌عدالتی و فساد در کشور شناسایی و با اقتدار و جدیت سیستم قضایی نسبت به حذف تدریجی آن‌ها، شاهد پیامدها و دستاوردهای حکومت عدل اسلامی که انقلاب اسلامی نقطه آغاز آن است باشیم. ضرورت‌های تحقیق در دو محور ثمرات وجود شرط عدالت در مناصب و پیامدهای نبود آن در این پژوهش ساماندهی و بررسی شده است.

ضرورت انجام تحقیق

در این تحقیق، ضرورت اثبات شرایط حاکم اسلامی مسئله اصلی و نقطه کانونی بحث نیست چرا که در این حوزه اثرات، تالیفات و مقالات بسیاری تولید شده است. لیکن خلاء موجود پیرامون بررسی شاخصه عدالت در صاحب منصبان و زمامداران در حوزه حاکمیت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. نظامی که برخاسته از فقه شیعه و داعیه‌دار آنست که " فقهش تئوری واقعی اداره

انسان و اجتماع از گهواره تا گور است." و با تشکیل حکومتی مستقل از تمامی سبک‌های حکومتی جهان معاصر مورد توجه اندیشمندان و کالبد شکافان انقلابات جهان قرار گرفته است. امروز اندیشمندان علوم سیاسی عالم، علاوه بر رصد ساختار حکومتی منحصر بفرد ایران یعنی ولایت فقیه، نسبت به چگونگی و شرایط مسئولیت‌ها در حاکمیت نظام ولایت فقیه و مسائل بین‌المللی این نظام و توفیق و عدم توفیق آن مباحث مطولی را دنبال می‌کنند. بعلاوه تحرک و جنبشی که نهضت امام و انقلاب ایران در بین ملت‌های جهان بویژه در منطقه شرق آسیا (خاور میانه) با عنوان جبهه مقاومت بوجود آورده، نیازمند ارائه یک نسخه کاملی از اندیشه‌های فقهی امام است تا در همه زمینه‌ها بویژه مناصب حکومتی و شرایط آن بحث و بررسی دقیق و عمیق نماید. ارائه این مجموعه با عنایت به حاکمیت نداشتن اسلام و فقها اسلامی بعد از حکومت امام علی علیه السلام و امام حسن (ع) امر خطیر و بسیار دشواری می‌نماید. ولی حکومت ده ساله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که امام (ره) خود رهبری آنرا بر عهده داشته و آثار بجا مانده از احکام حکومتی و منصوباتشان در این دوره و بیانات ایشان در جمع کارگزاران حکومتی و صاحب منصبان پیرامون عدالت و دیدگاه خاص ایشان در خصوص رابطه زمامداران و مردم منظره‌ای است که در اختیار ماست که در این بررسی از آن بهره خواهیم برد. باید اذعان کنیم که نیاز به این پژوهش ضرورتی است برای استمرار نظام جمهوری اسلامی؛ چرا که برخی صاحب منصبان نظام (به غیر از رهبری کنونی انقلاب) منحصرأ به علت دارا نبودن شرایط فقهی عدالت و عدم احقاق حق ملت و کشور و نظام، انقلاب چهل ساله را با چالش پیشرفت مواجه ساخته‌اند. در نظام فقهی اسلام، عدالت یکی از شرایط اساسی پذیرش مسئولیت در کلیه امور است. در اسلام مناصب، حتی ولایت و حکومت فی نفسه واجد ارزش نیست، بلکه ارزش بودن آن به سبب احقاق حق و تحقق عدالت و قسط در جامعه است. این تحقیق به دنبال آنست که با احصاء شرایط عدالت در صاحب مناصب منشوری فراهم آورد برای رعایت عدالت و اصول حکومت عادلانه در نظام جمهوری اسلامی ایران.

پیشینه و ادبیات پژوهش

در اسلام وجود عدالت در رهبر، مرجع تقلید، قاضی، امام جماعت و جمعه، شاهد، کاتب، مترجم، عامل صدقات، مقوم، مقسم، نایب در انجام عبادات، امین، حاکم بر اموال ایتام، غایب و دیوانه، قابض حقوق مالی، وصی، امانت‌گیر و . . . شرط شده است. (حسینی مراغی ۱۳۱۷. العنایین ص ۷۲۶) هر یک از موضوعات فقهی فوق الذکر طبق بیان فقهای امامیه مشروط به عدالت است. در

موضوعات فقهی مشروط به عدالت، عدالت به عنوان معیار در فرد مکلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در هر یک از مناصب و تکالیف شرط عدالت منظور می‌گردد.

در فقه اسلام، اعتبار و شرط عدالت در رهبر و حاکم اسلامی به عنوان فردی که بر جامعه اسلامی و نفوس مسلمین و آحاد جامعه حاکمیت دارد، ضروری و لازم دانسته شده است. کسی که مقدرات جامعه در ید قدرت او قرار می‌گیرد و اجرای قسط، عدل و داد را در بستر جامعه، قوای سیاسی کشور بر عهده دارد باید شرط عدالت را در بالاترین و عالی‌ترین مرتبه دارا باشد و عدالت در او باید چونان ملکه راسخه‌ای باشد که در همه شرایط او را تا حد عصمت حفظ و نگهداری کند. حضرت امام خمینی در بحث ولایت فقیه از کتاب بیع خود در شرایط زمامدار آورده است: شرایطی که برای زمامدار ضروری است . . . پس از شرایط عامه مثل عقاید و تدبیر دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: علم به قانون و عدالت (امام خمینی (ره) ۱۳۷۸ ص ۳۹ و ۳۸).

مراتب عدالت در مناصب مختلف دارای قوت و ضعف هستند به عبارتی به ترتیب میزان مسئولیت دینی و اجتماعی، از مرتبه ضعیف‌تر به مرتبه بالاتر و قوی‌تر تحقق پیدا می‌کند. شرط عدالت در فقه امری دارای مراتب مختلف و همچون ایمان ذو مراتب است.

فرضیه و سوال‌های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق این است که صاحب منصبان عادل در نظام اسلامی با اجرای عدالت فردی و اجتماعی ضمن ممحض کردن خود به این فضیلت فطری و وجودی، می‌توانند با عمل به اصول عدالت در حوزه مدیریت جامعه و توزیع عادلانه امکانات، ثروت، معنویت و برابری در مقابل قانون و اجرای آن، جامعه پیرامون و تحت حاکمیت خود را به سوی کمال و سعادت الهی هدایت نمایند.

سؤال اصلی: وجود یا فقدان عدالت در مناصب حکومتی جمهوری اسلامی دارای چه پیامدهایی است؟

سؤالات فرعی: منظور از عدالت چیست؟ جایگاه عدالت در مناصب حکومتی جمهوری اسلامی چیست؟ وجود عدالت در زمامداران و حاکمان چه ثمراتی دارد؟ و فقدان عدالت در مناصب حکومتی جامعه را دچار چه چالش‌ها و عواقبی می‌کند؟

جنبه نو آوری پژوهش

در اسلام بیش از هر مکتب دیگر بر نقش عدالت در عرصه حکمرانی و تأثیر آن در نظامات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روابط بین‌الملل و حتی زندگی فردی تأکید و تصریح شده است. در این زمینه آثار متعددی منتشر گردیده اما بررسی انجام شده نشان می‌دهد پژوهش‌های موجود، موضوع این تحقیق را پوشش نداده‌اند. بنابراین؛ تحقیق حاضر، رویکرد قابل توجهی به عدالت‌ورزی در نظام حکمرانی و پیامدهای آن و ضرورت وجود شرط عدالت در حاکمان و مسئولان نظام اسلامی بویژه مناصب میانی را تبیین و به چالش‌های بی‌عدالتی در کشور و راهکارهای برون رفت از آن پرداخته است.

(۱) مقاله فقه سیاسی و اصالت "عدالت" در زمامداری نوشته سید جواد ورعی در فصلنامه علوم

سیاسی دانشگاه باقر العلوم ۱۳۹۵ ش ۷۶

این مقاله در صدد اثبات آنست که عدالت مورد نظر اسلام وصف حکومت است یا حاکم؟ در ادامه به فلسفه شرط‌گذاری اسلام در بسیاری از مناصب اجتماعی می‌پردازد، آورده است عدالت در زمامداری "موضوعیت" دارد و در زمامدار "طریقت". این نوشته بر آنست که بگوید هدف اصلی حکومت وقضاوت برقراری عدالت و رعایت حقوق مردم است. در شرایط مطلوب زمامدار باید معصوم باشد. در نبود معصوم غیرمعصوم هم می‌تواند با هدف پاسداشت حقوق مردم و اجرای احکام الهی زمامدار گشته و جامعه را به آرمان عدالت اجتماعی برساند.

(۲) مقاله "بررسی شرط تقوا و عدالت مقامات حکومتی در فقه امامیه و قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران" اثر آقای محسن ملک افضلی اردکانی و عبدالله امیری فرد و خانم فاطمه

تنها در فصلنامه حکومت اسلامی.

نویسندگان با توجه به مبنای اعتقادی شیعه که هیچ کس بر دیگری حق حاکمیت و ولایت ندارد مگر اینکه شارع مقدس، ولایت را برای او تنفیذ کرده باشد. شرط عدالت را از نظر شارع مقدس از شروط تنفیذ ولایت و حاکمیت آورده‌اند. بحث کانونی صاحبان اثر این است که عدالت در غیر حاکم همانند او نیست بلکه عدالت در زمامداران غیرحاکم مراتب دارد و چون رهبر در راس و بالاترین مرتبه است مرتبه عدالت برای او بالاترین است. در صاحب منصبان مراتب پایین‌تری از عدالت مد نظر است.

(۳) مقاله "درآمدی بر جایگاه "عدالت" در اندیشه فقهی امام خمینی نویسندگان غفور خوئی،

اصغر زیرک و سید محمد تقی علوی . . . در فصلنامه حکومت اسلامی ۱۳۹۳ ش ۷۲.

نویسندگان بر این باورند عدالت آنچنان که شایسته است مورد توجه فقهاء قرار نگرفته و بیشتر بحث‌ها پیرامون عدالت در ساحت فردی مطرح شده، اما امام در کنار عدالت فردی به عدالت

اجتماعی نیز پرداخته است و در ادامه به تبیین نظریه عدالت به عنوان مقصد شریعت و هدف آن پرداخته‌اند. و نتیجه می‌گیرند که عدالت مثل سایر قواعد فقهی، ابزاری برای نیل به احکام شرعی جزئی نیست، بلکه خود هدف و مقصد است. مصادیق عدالت با الهام از احکام شرعی و قاعد فقهی قابل تشخیص هستند نه عرف و بنای عقلاء.

مفهوم شناسی عدالت

دانشمندان اهل لغت، عدالت را در لغت به معنای مساوات و برابری دانسته و معتقدند «العدالة لفظ يقتضی معنی المساواة» یعنی لفظ عدالت مفهوم مساوات را اقتضا می‌کند. راغب اصفهانی؛ عدل به کسر عین را در امور محسوس و عدل به فتح عین را در امور معنوی بکار برده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۳۶۱) در فرهنگ عمید؛ عدل به معانی داد کردن، دادگری کردن، ضد ظلم و جور، عادل، راست، برابری، مثل و نظیر، کسی که شهادت او مقبول است، آمده است. (عمید، ۱۳۷۹: ۱۴۲۹) بررسی دقیق کتب لغت در مورد واژه عدالت نشان می‌دهد که می‌توان یک معنای جامع برای آن ارائه داد که شامل تمامی معانی عدالت گردد. معنای جامع عدالت را می‌توان «القصدي الامور» یعنی میانه‌روی در کارها بیان کرد. (زیرک باروقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳)

عدالت در اصطلاح، حقیقتی است که در جایگاه خود هست و برای عادلانه کردن هر چیزی باید آن را با حقیقت (عدالت) سنجید. (شریعت‌مداری جزایری، ۱۳۹۰: ۳) به این معنا، عدالت معیار و میزان سنجش برای همه قوانین الهی، طبیعی و احکام شریعت یا ام‌الاحکام است. به تعبیر شهید مطهری: «نه این است که آنچه دین گفته عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید». (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۶) عدالت مورد نظر اسلام؛ هم صفت و خصلت نهاد حکومت است. «إن اساس الدین التوحید والعدل: قطعاً اساس و بنیان دین، توحید و عدل است». هم صفت حاکم و صاحب منصب: «إنما یراد من الامام قسطه و عدله. همانا اراده شده است از امام و امامت، عدل و اجرای آن». (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۴: ۲۳۲) ..

(۱) نقش عدالت در مناصب حکومتی

امام خمینی (ره) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران با تأسی به الگوی حکومتی پیامبر اعظم (ص) در مدینه‌النبی و حکومت علوی در کوفه، در عصر حاضر از فقه اسلام و تشیع، طراحی نظام جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت‌فقیه را عملی ساخت و خود یک دهه در رأس حکومت قرار گرفت. رویکرد امام به عدالت علاوه بر اینکه عدالت را ملکه‌ای راسخه می‌داند که باعث ملازمت تقوی در ترک

محرمات و انجام واجبات می‌گردد. (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸: ۱۰) در نگاه امام راحل عدل، بنیان و اساس اسلام و مقصد آن است و حکومت برای تحقق عدل و قسط به وجود می‌آید: «اسلام برای تأسیس حکومت عدل آمده است و تمامی قوانین مالی و جزایی اسلام براساس عدالت و سهولت است. . . ایشان احکام را مطلوب بالعرض و اموری ایزاری می‌دانند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت». (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۳: ۴۶۰)

امام، شرط عدالت را در تمامی مناصب شرعی و حاکمیتی جاری و ساری می‌داند و آورده‌اند که: «اسلام خدایش عادل است، پیامبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل است و معصوم است، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم باید عادل باشد، از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر؛ زمامدار باید عادل باشد، ولات آن هم باید عادل باشد». (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۳۰۴).

در زمینه نقش عدالت در صاحب منصبان نظام اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه‌ی مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ اکثریت که هیچ این موضوع در همه‌ی رده‌های حکومت صدق می‌کند و فقط مخصوص رهبری در نظام جمهوری اسلامی نیست. البته تکلیف رهبری سنگین‌تر است و عدالت و تقوایی که در رهبری لازم است، به‌طور مثال، در نماینده‌ی مجلس لازم نیست؛ اما این، بدین معنا نیست که نماینده‌ی مجلس بدون داشتن تقوا و عدالت می‌تواند به مجلس برود؛ نخیر، او هم تقوا و عدالت لازم دارد؛ چرا؟ چون او هم حاکم است و جزو دستگاه قدرت است، همان‌طور که دولت و قوه‌ی قضاییه هم حاکم هستند؛ چون این‌ها بر جان و مال جامعه‌ی تحت قدرت خودشان حکومت می‌کنند. (بیانات در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۲۶)

۲) پیامدهای وجود شرط عدالت در صاحبان منصب

اگر در جامعه‌ای حکومت عادلانه باشد و صاحب منصبان عادل ایفای نقش کنند بدون تردید جامعه و مردمان آن در امنیت، آرامش، رفاه و در مسیر رشد و کمال قرار خواهند گرفت و انسان‌ها به اهداف معنوی و مادی مورد اقتضای فطرت الهی می‌رسند. چنانچه در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی که منبعث از احکام نورانی اسلام است این چنین آمده است: «بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند «إن الارض یرثها عبادی الصالحون» و

قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است برمدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد.» (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۱۵)

به استناد قانون اساسی در نظام اسلامی ایران باید صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت باشند (شایسته‌سالاری)، صالحان کسانی هستند که از صلاحیت اعتقادی، سیاسی و مذهبی برخوردار باشند. متفکران اسلامی نیز مهم‌ترین عامل حیات کشور و حکومت را عدالت دانسته‌اند. با اشاره به سخن معروف «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم - حکومت با کفر برجا می‌ماند ولی با ظلم برجا نمی‌ماند». علت‌العلل اشتراط عدالت در مناصب حکومتی چون رهبر، رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه؛ قاضی، شاهد و... وابسته بودن حقوق دینی، سیاسی، مالی، عرضی، معنوی و مادی مردم به حکومت و صاحب‌منصبان حکومتی است.

۲-۱) پیامدهای اجتماعی

۱- فراوانی نعمت

امام علی (ع) فرمود: «فردایی که شما از آن شناختی ندارید، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است. «حضرت مهدی (عج)» عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد کرد، زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می‌کند.» (دشتی، ۱۳۸۰: ۲۵۷) از جملات امام علی (ع) استنباط می‌شود که یکی از برکات حکومت عادلانه فراوانی نعمت است و از آن رو که در عصر امام زمان (عج) عدالت واقعی برقرار می‌گردد، نعمت‌ها به حدی فراوان می‌شود که در جامعه هیچ فقیری یافت نخواهد شد. (نظری، ۱۳۹۳: ۸۷) حاکم عادل و عدالت‌گستر، با احیاء سنت پیامبر اعظم از فراموشی احکام اصیل و ناب اسلام محمدی (ص) جلوگیری می‌کند. بنابراین نتیجه عدالت اجتماعی سرزنده بودن جامعه اسلامی و سرریز شدن نعمات الهی و فراوانی آن را در پی خواهد داشت. امام علی (ع) فرمود: «بالعدل تتضاعف البرکات: با عدالت برکات در جامعه افزایش می‌یابد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ۳۴۴)

۲- رضایت‌مندی مردم

قضاوت و رضایت عامه مردم ملاکی پذیرفته شده در شایستگی زمامداران است، آنجا که اختلاف نظر وجود دارد، ملاک شایستگی و ناشایستگی زمامداران، نظر آگاهان، نیکان و صالحان است. (دلشاد

تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) در نگاه امام علی (ع) اجرای عدالت در اجتماع به وسیله حکومت و حاکم باعث می‌شود مردم از حاکمیت رضایت داشته و همواره پشتیبان آن باشند. «فَإِنَّ سَخَطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ، وَإِنَّ سَخَطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ: خشم عمومی مردم، خشنودی خواص یا نزدیکان را از بین می‌برد و اما خشم خواص را، خشنودی همگان (عموم مردم) بی‌اثر می‌کند. بدان که عموم مردم ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور و مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی نظام و حاکمیت‌اند. پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد». (دستی، ۱۳۸۰: ۵۶۹) در این زمینه امام راحل به همه مسئولین سفارش می‌کند: «کاری نکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا و ملت از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می‌ماند، و مردم هم پشتیبان شمایند». (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۲) رهبر معظم انقلاب به کارگزاران و صاحب منصبان نظام بر رضایت عامه مردم نه گروه‌های خاص تاکید می‌کند و از قول امام علی (ع) آورده است: «و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعلمها فی العدل و اجمعها لرضى الرعیة»؛ دنبال کارهایی باش که از افراط و تفریط دور باشد و عدالت را در سطح وسیع‌تری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آنها هرچه وسیع‌تر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند. دنبال این نباش که رضایت گروه‌های خاص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را به دست آوری. من و شما مخاطب این خطابیم. . . هر جا هستید، باید توجه داشته باشید کاری که انجام می‌دهید، در جهت میل صاحبان ثروت و قدرت نباشد؛ که این‌ها در این فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام به «خاصه» تعبیر شده است. می‌فرماید: «فانَّ سَخَطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ»؛ اگر دل صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، ناراضی‌تی مردم این گروه‌های خشنود شده‌ی خواص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را مثل سیلابی خواهد برد. «و انَّ سَخَطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ»؛ اما اگر رعایت میل دل صاحبان ثروت و قدرت را نکردید، از شما ناراضی می‌شوند؛ بگذار ناراضی شوند. وقتی مردم از شما راضی‌اند و برای آنها کار کردید، بگذار این‌ها ناراضی باشند. «یغتنفر»؛ این ناراضی‌ی بخشوده است. (بیانات در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۲-۲) پیامدهای اقتصادی

۱- گشایش برای عموم مردم

اجرای عدالت اجتماعی در درون جامعه برای مردم روشنایی و نور می‌آورد. در صورتی که حاکم عدالت را اساس حکومت و دستورات خود را بر مبنای عدالت اجرایی کند و زمامداران عادل را بر امور

بگمارد. آنگاه است که مردم می‌توانند به استحقاق‌های طبیعی و اکتسابی خویش نائل گردند و به رشد و کمال و سعادت دست یابند. امام علی (ع) می‌فرماید: «فان فی العدل سعه. درعدل وسعت و گشایش است». (دشتی، ۱۳۸۰: ۵۹) جامعه در پناه عدل احساس امنیت و آسایش و گشایش خواهد داشت. تا آنجا که سفارش می‌کند که ظلم و ستم برای کسی که ساحت عدل را تحمل نکند، هیچ گشایشی ندارد و فضای ستم بر او تنگ‌تر می‌نماید. امام وجود حاکم عادل را موجب به وجود آمدن زندگی اجتماعی سالم برای جامعه می‌داند و زندگی را در چنین حاکمیتی سرشار از خیر و برکت قلمداد می‌کند و می‌فرماید که زندگی در چنین جامعه‌ای بهتر از مرگ است: «إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خَيْرًاكُمْ وَ أَعْيَابًاؤُكُمْ سُمَحَاءَكُمْ وَ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرَ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِيهَا: هرگاه امیران شما، نیکانتان و ثروتمندان شما، سخاوتمندان باشند و در کارتان در میان خود مشورت کنید، در این صورت روی زمین برای شما بهتر از دل زمین خواهد بود. (زندگی بهتر از مرگ است). (همان، ۵۹)

۲- مبارزه با تبعیض، ظلم و فساد

آنچه که رکن اصلی مبارزه با فساد را تشکیل می‌دهد؛ رهبری حاکم عادل و قوانین عادلانه و متقن است که می‌تواند به مبارزه با تبعیض و ستم کمک کند. امام علی (ع) در روز دوم خلافت و رهبری خطاب به مفسدان و زیاده خواهان از بیت‌المال مسلمین می‌فرماید: «به خدا قسم اگر آن املاک را بیابم به مسلمین برمی‌گردانم گرچه مهریه زنان شده باشد، یا با آن کنیزها خریده باشند. زیرا گشایش امور با عدالت است، کسی که عدالت او را در مضیقه اندازد ظلم و ستم مضیقه بیشتری برای او ایجاد می‌کند». (دشتی، ۱۳۸۰: خ ۱۵) مسئولان کشور باید بدانند که ظالمان و ستمگران و دزدان بیت‌المال دست از کار نخواهد کشید و همانند اژدهای هفت‌سر حکومت را در چنبره می‌گیرند و به هر صورتی با آن مبارزه می‌کنند، در گفتمان انقلاب اسلامی ایران برای مبارزه با تبعیض، ستم و فساد علاوه بر استفاده از مبانی دینی و گفتار و پیام‌های رهبران سیاسی و معنوی یعنی سنت نبوی و سیره معصومین علیهم‌السلام که هر یک مصداق تام مبارزه با تبعیض، ظلم و ستم زیاده خواران و مترفین و مسرفین زمان خود بوده‌اند. با استفاده از ابزار قانون یعنی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش شد مبارزه با فساد و رانت‌خواری، در قالب قوانین اساسی و موضوعه نهادینه گردد.

در اصل چهارم قانون اساسی مقرر گردید که تمام قوانین و مقررات اعم از مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. امام خمینی (ره) در راه مبارزه با بی‌عدالتی و

امتیازخواهی عده‌ای مرفه بی‌درد و ناآشنای به سرد و گرم انقلاب و دل‌بسته به رژیم ستم‌شاهی پهلوی و جمعی دیگر که همواره دنبال باج‌خواهی و امتیازطلبی از انقلاب و اسلام بوده‌اند فرمودند: «باید این امتیازات از بین برود، و همه مردم علی‌السواء هستند با هم». (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۶۱) ایشان راهبرد جمهوری اسلامی را این‌گونه ترسیم می‌کردند که: «در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند. . . و عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند». (همان: ۵۲۵)

۳-۲) پیامدهای سیاسی

۱- ادای حقوق متقابل رهبر و مردم

از آثار ارزشمند وجود حاکم عادل در جامعه، رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم است که ثمره واقعی آن برای حاکم؛ تثبیت، استمرار و بقای حکومت حاکم است از جهت دیگر مردم نیز اجرای عدالت را در محیط اجتماعی نظاره‌گر خواهند بود. جامعه‌ای که مردم آن نسبت به حاکم؛ وفادار و خیرخواه و در مقابل او امر حاکم مطیع باشند و در دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی کشور و نظام دینی‌شان ثابت‌قدم و استوار باشند، از هر جهت به خواسته‌های مادی و معنوی خود دست می‌یابد و در مقابل بدخواهان و دشمنان نیز سربلند و همواره پیروز همه عرصه‌ها خواهند شد. امام علی (ع) در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه آثار رعایت حقوق متقابل رهبر و مردم را چنین برمی‌شمارد: «وَ أَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ...».

۱- عزت‌مندی حق در بین مردم حکومت.

۲- راه‌ها و نشانه‌های دین آشکار می‌شود.

۳- نشانه‌های عدالت و آثار برپایی آن پدیدار می‌گردد.

۴- سنت پیامبر (ص) آشکار و پایدار می‌شود.

۵- روزگار اصلاح می‌شود.

۶- به پایداری و استمرار دولت امید می‌رود.

۷- دشمن در طمع به آن حکومت و مردم مأیوس می‌گردد. (دشتی، ۱۳۸۰: ۴۴۳)

۲- عدالت گستری

خداوند متعال یکی از بزرگ‌ترین اهداف ارسال رسل را ریشه‌کن کردن ظلم و طاغوت دانسته و فرمودند: «اجتنبوا الطاغوت: از ستمگران زمان دوری کنید». (زمر/۱۷) همچنین برپایی عدالت در

اجتماع را ابلاغ فرموده‌اند: «لیقوم الناس بالقسط». (حدید/۲۵) بنابراین حاکم مورد نظر اسلام شرط اساسی و بنیانی‌اش، عادل بودن است. امام علی (ع) فرمود: «والله لهی احب من امرتکم الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا؛ به خدا قسم این (کفش پینه زده) برایم دوست داشتنی‌تر از ریاست بر شماست. مگر اینکه حقی را زنده کنم یا باطلی را از سر راه بردارم. اگر حاکمی جز برای اقامه عدل و اجرای آن در جامعه حاکمیت را به کف گیرد عاقبت مردم و سرزمین را تباه خواهد کرد. (دستی، ۱۳۸۰: خ ۳۳) در قانون اساسی در اصول ۳، ۸، ۱۰، ۲۱، ۲۸، ۳۱، ۴۳، ۴۸، ۱۲۱، ۱۴۱ بر جایگاه عدالت خواهی و گسترش عدالت تأکید شده است. این اصول مطالبه عدالت از ارکان نظام و صاحب منصبان است که در قالب قوه مقننه، مجریه و قضائیه بر طبق قانون اساسی زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت انجام وظیفه می‌نمایند رئیس‌جمهور اسلامی ایران در سوگندنامه خود در اصل ۱۲۱ قانون اساسی به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کند که خود را وقف خدمت به مردم کرده و همه استعداد و صلاحیت خویش را برای پشتیبانی از حق و گسترش عدالت بکار بگیرد. (همان: ۴۵) یکی از وجوهی که رهبری نظام اسلامی وظیفه پاسداشت آن را برعهده دارد، نظارت بر چگونگی اجرای عدالت توسط قوای سه‌گانه حاکم بر مقدرات کشور و مردم است.

۲-۴) پیامدهای فرهنگی

۱- وحدت و یکپارچگی مردم در سایه حاکم عادل

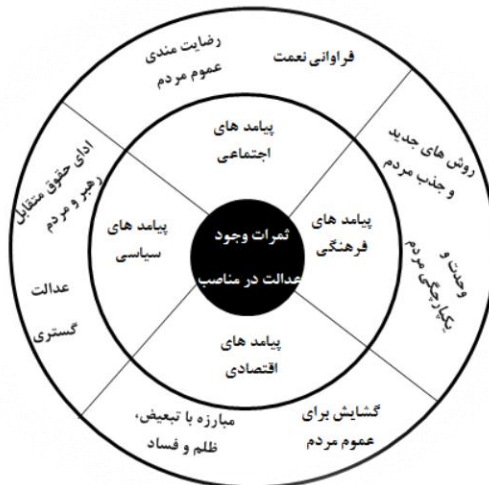
اصل وحدت و یکپارچگی ملت به تعبیر قرآن کریم، یک نعمت و برکت قلمداد شده و تصریح شده است که: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ همگی به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکنده نشدید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید». (آل عمران/۱۰۳). امام علی علیه السلام در شمارش خصائص و ویژگی‌های رسول خدا (ص)؛ وجود مقدس او را مایه وحدت ملت و دوری از تفرقه و تشتت در امت می‌داند. آن حضرت فرمود: «دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الضَّعَائِنَ وَأَطْفَالَ بِهِ التَّوَاتِرَ أَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا وَفَرَّقَ بِهِ أقرَانًا عَزَبَ بِهِ الدَّلَّةَ وَأَدَلَّ بِهِ العِزَّةَ؛ خدا به برکت او (پیامبر اکرم (ص)) کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی را خاموش ساخت. با او میان دل‌ها الفت و مهربانی ایجاد کرد و نزدیکی را از هم دور ساخت. انسان‌های خوار و ذلیل در پرتو او عزت یافتند و عزیزانی خود سر ذلیل شدند». (دستی، ۱۳۸۰: ۲۳۵) امام راحل مسئله وحدت و همبستگی ملت را از قبل پیروزی همواره یادآوری می‌کردند. باید این رمز پیروزی را که وحدت کلمه و اتکای به قرآن مجید است حفظ کنیم و همه با هم به پیش برویم و

حکومت جمهوری اسلامی را در ایران مستقر کنیم. بعد از پیروزی نیز یکی از توصیه‌ها و سفارش‌های بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی باز حفظ وحدت کلمه و تمسک به اسلام بود. ما اگر این وحدت کلمه و قدرتی که الآن در دستان است - که قدرت ملت است - حفظ کنیم، وحدت کلمه را حفظ کنیم، همه پیروز خواهیم شد. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۲۲: ۲۰۱)

رهبر معظم انقلاب، وحدت، صفا و برادری را حلال مشکلات ریز و درشت کشور و ملت می‌دانند. وظیفه امروز مردم این است که اولاً وحدت را حفظ کنند. . . با حضور و وجود (آگاهانه و مخلصانه شما (مردم)، تمام مشکلات ریز و درشت این کشور و ملت برطرف خواهد شد (حدیث ولایت، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۱۰)

۲- رویش‌های جدید انقلاب اسلامی

مهم‌ترین معیار در ریزش‌ها و رویش‌های کاروان انقلاب، چهار اصل اسلام، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، و ولایت فقیه است. این تعبیر از نتایج و پیامدهای وجود دو حاکم عادل و مومن انقلاب اسلامی امام خمینی و امام خامنه‌ای است که با وجود مسابقه‌ی عده‌ای از مسولان و مترفین در دنیا طلبی و اشرافیگری و ترویج تجملات، رویش‌ها یعنی جوانانِ امام ندیده و جنگ نرفته تا مرز شهادت همراه ولی فقیه زمان خود استوارمانده و در این کاروان حضور موثر و جدی ایفا می‌کنند. این همه جوان مجاهد وم وُمن نویسنده، هنرمند، عالم، فنّاور، مبلّغ، سخنور، در عرصه‌های گوناگون، در مسائل داخلی و خارجی. این‌ها رویش‌های انقلابند، رویش‌های سرسبز و آماده؛ این خیلی با ارزش است. بنابراین، اگر ما به وظایف مان در زمینه‌ی انقلاب عمل کنیم، معنای این، ماندگاری افزایش و انبوه شدن این رویش هاست. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۹) از نتایج دیگر وجود رهبر و کارگزار دلسوز؛ می‌توان به افزایش اعتماد مردم به جذب جوانان دانست. که اجرای عدالت توسط صاحب منصبان اصلی، باعث جذب نسل‌های نو به سمت نظام اسلامی و رویش جمعیت‌های زیادی برای دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی در اقصی نقاط عالم خواهد شد. بعلاوه امیدوار شدن قاطبه مردم به نظام اسلامی و حضور پررنگ آنان در پای صندوق‌های رأی در انتخابات بدون نیاز به فضا سازی‌های دو قطبی خطرناک به هنگام رقابت‌های انتخاباتی؛ از رویش‌های نظام مردم سالاری دینی است که لیبرال دموکراسی حاکم بر جوامع غربی تاکنون فقط شعار آنرا داده و هیچگاه آنرا عینیت نبخشیده است.



۳) پیامدهای نبود شرط عدالت در مناصب حکومتی

اگر ظلم و ستم و خیانت در وجود و نهاد صاحبان منصب و کارگزاران جامعه لانه کند جامعه روبه انحراف و انحطاط طی مسیر می‌نماید. امام علی (ع) می‌فرماید: «قُلُوبُ الرَّعِيَّةِ خَزَائِنُ رَاعِيهَا فَمَا أَوْدَعَهَا مِنْ عَدْلٍ أَوْ جَوْرٍ وَجَدَهُ فِيهَا: قلب‌های مردم گنجینه‌های حاکمان است، پس آنچه از عدالت و ظلم در آن‌ها ودیعه بگذارند همان را می‌یابند». (تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ۱۹۴) یعنی وقتی بذر ظلم و ستم در اجتماع کاشته می‌شود، کشتزار دل مردم همان رار شد و پرورش می‌دهد و تعامل زمامدار و مردم محصول آن بذر خواهد شد. کسی که در قوای درونی و کنترل نفس خود به تعادل عقلی نرسیده باشد و از لحاظ نفسانی خودساخته نباشد در اقامه عدل توفیقی نخواهد داشت. چنین شخصی به‌هیچ‌وجه توان اجرای احکام عدالت در بین هم‌نوعان و اجتماع را ندارد. آن کس که از اصلاح خود عاجز است چگونه دیگران و جامعه را اصلاح کند؟

در این زمینه امام خمینی (ره) معتقدند اگر کسی خود اصلاح نشده باشد نمی‌تواند به اصلاح جامعه بپردازد در واقع تحقق عدالت اجتماعی را از مسیر عدالت فردی می‌دانند. هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است، اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود، نمی‌تواند دیگران را تربیت کند. . . و امیدوارم این مجاهده نفس برای همه ما حاصل بشود و به دنبال آن مجاهده برای ساختن یک کشور. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ج ۱۶: ۲۵).

رهبر معظم انقلاب وجود شرط عدالت در کارگزار حکومتی را منشاء وظیفه خطیری چون اجرای عدالت اجتماعی می‌داند و می‌فرماید: در واقع در هرانسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه‌ی عدالت جمعی و منطقه‌ی تأثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. . . . انسانی که مراقب خود نیست و در عمل و کلام و زندگی شخصی خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است، نمی‌تواند در محیط جامعه منشأ عدالت اجتماعی باشد. (بیانات در تاریخ ۱۲/۲۶ ۱۳۷۹).

۳-۱) پیامدها در عرصه اقتصادی

نبود عدالت در عرصه اقتصادی نتیجه اش وجود فساد اقتصادی است که بیش از بی‌عدالتی در عرصه‌ی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امثال آن‌ها در افکار عمومی ظهور و بروز پیدا می‌کند. کارشناسان معتقدند این نوع بی‌عدالتی موجب شکاف اجتماعی گشته و جامعه را به ثروتمند و فقیر، دارا و ندار، مستکبر و مستضعف تقسیم می‌کند. از جمله مهم‌ترین مشکلاتی که در عرصه اقتصادی پدید می‌آید عبارتند از:

۱) فقر

غیر عادلانه بودن نظام و قوانین اقتصادی حاکمیت و روابط ناسالم و غیر عادلانه اقتصادی کارگزاران، نهادها و قوانین پولی و مالی کشور باعث ایجاد طبقه اجتماعی فقیر در جامعه می‌گردد. در روایات دینی فقر یک پدیده غیر طبیعی است که به دلیل بی‌برنامه‌گی یا برنامه ریزی نادرست و غیر عادلانه بوجود می‌آید. در حکمت ۳۲۸ نهج البلاغه آمده است: هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر بواسطه اینکه ثروتمندان از حق آنان بهره مند شده اند. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸ ص ۷۰۹). در کلامی دیگر می‌فرمایند: تنگدستی مردم، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند. (نهج البلاغه، خ ۲۰۹ ص ۴۳۱). زمامدارانی که بدون در نظر گرفتن اهلیت فقهی و شرعی به صدارت و مسئولیت دست یافته و آنرا چون طعمه ای برای غارت اموال مردم در آغوش گرفته اند. امام خمینی اقداماتی که برای ریشه کن کردن فقر و استقرار عدالت اجتماعی باید توسط مسئولین صورت بگیرد را، قبل از هر چیز به یک برنامه ریزی صحیح براساس پیاده کردن تعالیم اسلامی دانند و فرمودند: «مجموعه قواعد اسلامی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود، هم مشکل فقرا از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک عده به وسیله تصاحب ثروت

جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت استکبار و خلاقیت انسانها نمی‌شود. (صحیفه امام، ج ۵ صفحه ۳۸۲-۳۸۳)

آسیبها و مضرات وجود فقر در اجتماع بویژه جامعه تحت حاکمیت اسلام و جمهوری اسلامی آنقدر زیاد است که رهبر معظم انقلاب مقبولیت و قابل قبول بودن برنامه‌های تنظیمی کشور را منوط به فقر زدایی و رفع محرومیت اعلام می‌دارند؛

در تنظیم برنامه‌های کشور، اصلی‌ترین مسأله عبارت است از رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان؛ که از تبعات دوران ستم شاهی و آثار سلطه‌ی بیگانگان است. همه‌ی برنامه‌های اقتصادی و تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی، باید به این هدف متوجه باشد و تنها در این صورت است که این برنامه‌ها، درست و قابل قبول است. (پیام به مناسبت افتتاح چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۱/۰۳/۰۷)

۲) بیکاری

بیکاری و نداشتن اشتغال، روحیه و رفتار انسان را آزرده می‌سازد و انسان را دچار اندوه و غصه می‌کند. این اندوه بر اساس تاثیر متقابل فرد و جامعه؛ اجتماع پیرامون را نیز تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. یکی از عارضه‌های منفی بیکاری اشاعه فساد در جامعه است. رهبر معظم انقلاب یکی از مشکلات عمده جامعه کنونی را بیکاری و فراهم نکردن زمینه اشتغال توسط دولت و نظام میدانند. بستر اصلی وزیر بنایی اشتغال نیز در رونق تولید و رشد اقتصادی کشور است. ایشان؛ مشکل عمده و از جمله نیازها و مطالبات حقیقی مردم را اشتغال عنوان داشته و یکی از عوامل موثر در رفع محرومیت را مبارزه با بیکاری و ایجاد اشتغال می‌دانند. (بیانات در تاریخ‌های ۱۳۸۲/۳/۷ و ۱۳۸۰/۶/۵ و ۱۳۸۰/۲/۲۸) مسئولان کشور در صورتیکه نخواهند یا نتوانند تعهدات خود نسبت به ملت در قبال تولید، اشتغال، درآمد و رفع بیکاری انجام دهند؛ از نظر عدالت اجتماعی مقصر و از نظر شرعی گناه کار شناخته می‌شوند. یعنی حقوق ملت را پایمال کرده‌اند. و این امر شرطیت عدالت در مسئولیتشان را با مشکل مواجه می‌سازد. (همان)

۳-۲) پیامدها در عرصه اجتماعی

پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) معیار، میزان و شاخصه کلی عدالت اجتماعی را در این عبارت برای همه بشریت به میراث می‌گذارد که: یا علی! ما کرهته لفسک فاکره لغیرک و ما احببته لفسک فاحببه لاخیک تکن عادلای فی حکمک مقسطای فی عدلک محبا فی اهل السماء مودودای فی صدور

اهل الارض احفظ وصیتی ان شاءالله تعالی»؛ ای علی! هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران می‌پسند و آنچه برای خود می‌خواهی برای دیگران هم بخواه؛ در این صورت در قضاوت خویش (داوری یا حکومت) دادگر و در دادگری ات یکسان نگر خواهی بود و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و در سینه اهل زمین به محبت جای خواهی گرفت. این سفارش مرا به خواست خدا به خاطر بسیار و بر آن محافظت نما. (تحف العقول، ص ۱۱۳؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۸۶). کاربست این نگاه ژرف به معنای همسان نگری و یکسان رفتاری با مردم، در کنش‌های سیاسی و اجتماعی همانند خود رفتار نمودن، برای همگان حق برابر تعیین سرنوشت جمعی قایل شدن و در بین مردم از هیچ جهتی فرق نگذاشتن و گذشتن از منافع خاص فردی و گروهی و همچنین توجه به مصالح عام و دیگران است که منجر به زدودن تبعیض از بدنه اجتماع خواهد بود.

۱) احساس محرومیت نسبی

نبود عدالت موجب می‌شود در بسیاری از طیف‌ها و اقشار جامعه احساس محرومیت شکل گیرد. رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه؛ مستلزم نوع نگاه و چگونگی عمل کارگزاران نظام سیاسی به وظایفشان است. کارگزاران هستند که برای اجرایی کردن این اصل و مشابه آن؛ که همگی از عدل و قسط در اجتماع و اجرای آنها بحث می‌کنند - باید اهتمام جدی، بدون ملاحظه‌ی خود و وابستگان داشته باشند. اینجاست که نقش شرطیت عدالت در احراز مناصب حکومتی اهمیت مضاعف می‌یابد. کارگزار، مسوول یا متنفذی که برای خواسته، میل درونی و روحیه استبدادی و استکباری خود حد و مرزی نمی‌شناسد و برای، هم طیف‌ها و هم حزبی‌های وابسته‌ی خویش در استفاده از امکانات عمومی رفتار انحصاری قایل است. و سردر مقابل قانون فرود نمی‌آورد. چنان موارد تبعیض گونه‌ای به تعبیر رهبری مردم را آزار می‌دهد و بیش از فقر برای مردم گزنده است.

۲) تبعیض در بهره‌مندی از امکانات

فریادهای رهبری در مخالفت با نگاه نابرابر دستگاه حکومتی و دولتی به عموم مردم و ویژه‌خواران حقوق مردم گویای تبعیض در بهره‌مندی از امکانات توسط عده‌ای غیر عادل در مناصب حکومتی دارد: مقتضای عدالت اسلامی این است که همه‌ی افراد جامعه برخوردارهای لازم و مناسب شأن انسانی یک مؤمن راداشته باشند و تبعیض‌ها و بهره‌مندی‌های ناحقی که در جوامع فاسد دنیا وجود دارد، برچیده شود. یکی از شاخصه‌های عدالت اجتماعی این است که نگاه دستگاه قدرت و حکومت نسبت به آحاد مردم یکسان باشد. وعده‌ی خاصی برای خود حق ویژه‌ای قائل نباشند. در جامعه‌ای که امکانات و ابزارهای تولید و کسب درآمد در انحصار افراد خاص درآمده است، طبیعی است که

توده‌های مردم با کمبودهایی مواجه می‌شوند و تلاش آن‌ها برای بهبود وضعیت زندگی موثر نمی‌افتد. ایجاد فرصت‌های برابر برای همگان از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز می‌باشد (ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱). اهمیت بهره‌مندی عادلانه از امکانات جامعه از آن جهت است که تنها در چنین فضایی است که مردم می‌توانند به اهداف والای نظام اسلامی یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی دست پیدا کنند. (بیانات در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۲) چنین نظام اقتصادی غلط، بیمار گونه و التقاطی توسط معماران اقتصادی تحصیل کرده در اندیشه‌های غرب مروج اندیشه لیبرالیسم از یک طرف و سستی و تنبلی اندیشمندان دانشگاهی و حوزوی در استخراج نظام اقتصادی اسلام از مبانی عمیق فقه غنی اسلام از سوی دیگر، پس از چهاردهه از انقلاب اسلامی یکی از مهمترین دلایل وجود فاصله‌های طبقاتی در جامعه قلمداد می‌گردد. رهبر معظم انقلاب بر این نکته اصرار دارند که رشد، توسعه و پیشرفت در زمینه اقتصاد و افزایش ثروت در کشور نباید باعث شکاف طبقاتی گردد بلکه بر مسوولان لازم است شکاف‌های طبقاتی آزردهنده را از مسیر رشد و تعالی جامعه برکنار نمایند: در نظام اسلامی هدف عدالت است که بارشد، توسعه و پیشرفت سازگار است. رشد و توسعه مقدمه‌ی عدالت است. . . در نظام اسلامی، اختلاف طبقاتی بیش از فقر آزردهنده است. (گزیده از بیانات در سال‌های ۷۶، ۷۹، ۸۴، ۷۱، ۷۴، ۸۱، ۸۲). (جاویدی، ۱۳۹۳، اقتباس)

۳-۳) پیامدها در عرصه سیاسی

۱) انتخاب یا انتصاب کارگزاران فاقد اهلیت

امام علی (ع) به مالک اشتر فرمان می‌دهند که: «من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست‌به‌دست گردانند و بندگان او را بردگان خود قرار دهند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند». (دستی، ۱۳۸۰: نامه ۵۳) نتیجه حاکمیت چنین حاکمانی، گسترش فساد مالی، رانت‌خواری و استثمار مردم است که امام (ع) تعبیر بردگی و دست‌به‌دست گرداندن مال خدا را داشته‌اند. دشمنی با صالحان و نیکوکاران، از میدان عمل خارج ساختن عناصر مؤمن و ارزشی جامعه است که امام (ع) در سخن دیگری با عبارت «تاخرالافضل» از افول جامعه‌ی دارای چنین صفاتی سخن به میان می‌آوردند. (تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ۳۴۲)

رهبر معظم انقلاب این چنین تعبیر می‌کند که: هدف از قبول مناصب دولتی در نظام جمهوری اسلامی، اجرای عدالت، تأمین آسایش مردم و فراهم کردن زمینه جامعه انسانی برای شکفتن

استعدادها و تعالی انسان هاست و این مهم تحقق نمی‌یابد، مگر این که مدیران، خود را خدمتگزار مردم بدانند و مسئولیت خود را به عنوان یک وظیفه و تعهد درمقابل خدا و مردم تلقی کنند. پس، عدالت باید از کانونی‌ترین نقطه قدرت آغاز شود و حاکمان و صاحبان قدرت نیز آغاز کننده عمل باشند. (بیانات در تاریخ ۱۳۷۶/۰۴/۱۷)

۲) فساد در نظام اداری (مفاسد اداری)

از دیگر پیامدهای مسئولیت زمامداران و صاحب‌منصبان غیر عادل برخوردهای تبعیض‌آمیز در جلوگیری از مفاسد اداری است. رسول خدا (ص) درمقابل تلاش عده‌ای برای جلوگیری از قطع دست زنی از اشراف که مرتکب سرقت شده بود، فرمودند: «آنان که پیش از شما بودند تنها به سبب چنین تبعیض‌هایی هلاک شدند؛ زیرا حدود را بر فرودستان اجرا می‌کردند و اشراف و بزرگان رازها می‌ساختند». (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲: ۲۱۲) این برخورد در نظام ما در نحوه برخورد قوه قضائیه با مفسدین اقتصادی و سیاسی مصداق پیدا می‌کند. در چنین مواردی نبود عدالت صاحبان منصب به عیان مشهود عوام و خواص جامعه می‌شود.

«من مشکلی در ساختار نمی‌بینم. ما کارگزارها اشکال داریم؛ در این شکی نیست. کارگزارها کوتاهی دارند، سالیق گوناگون دارند، ناتوانی‌هایی دارند، کمبودهایی دارند. اشتباه ماها هم مثل اشتباه اشخاص عادی نیست؛ ما وقتی اشتباه می‌کنیم، اشتباه ما شکاف‌های بزرگی در متن جامعه به وجود می‌آورد» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۱).

بی‌عدالتی و فساد در نظام اداری سرانجام به فساد در ساختار سیاسی می‌انجامد. که نقش آفرینان اصلی آن، امراء و کارگزاران رده‌ی بالای نظام هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگزاران نظام در سال ۱۳۷۰ یعنی دو سال پس از رحلت امام عظیم‌الشان (ره)، در آغاز دوره سازندگی که به نظر سرآغاز رغبت و تمایل کارگزاران به چرب و شیرین دنیا و گرایش به تجمل و اشرافی‌گری بود؛ فریاد برمی‌آورد و نهیب می‌زند که اعتماد مردم تازمانی همراه و موید عملکردتان است که شما زیست متعادل، طلبگی و خمینی‌وارداشته باشید؛ شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسایل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قایل نشدیم - مگر حدی که در دسر قضایی درست بکنند! - و هر چه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟ مگر مردم کورند؟.. آقایان! مگر مردم نمی‌بینند که ما چگونه زندگی می‌کنیم؟.. نمی‌شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و

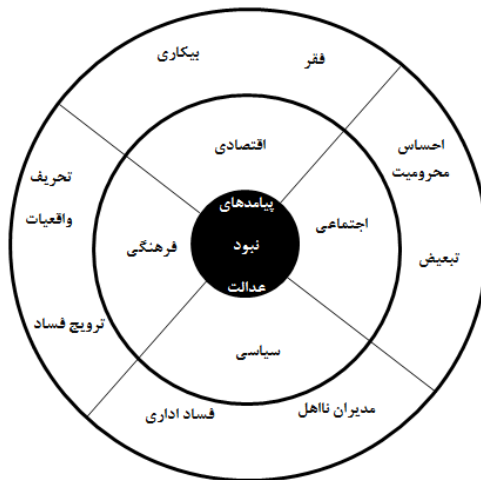
بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خلیشان از اولیات زندگی محرومند. در این راه، از خیلی چیزها باید گذشت. نه فقط از شهوات حرام، از شهوات حلال نیز باید گذشت. . . . من و شما همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. یکی از شماها معلم بود، یکی دانشجو بود، یکی طلبه بود، یکی منبری بود، همه‌مان این‌طور بودیم؛ اما حالا مثل عروسی اشراف عروسی بگیریم، مثل خانه‌ی اشراف خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابان‌ها حرکت کنیم! اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم مترفین می‌شویم. والله در جامعه‌ی اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه‌ی شریفه‌ی «وإذا اردنا ان نهلك قريةً امرنا مترفها ففسقوا فیها» (۱۷) بترسیم. تُرف، فسق هم دنبال خودش می‌آورد. (بیانات در تاریخ ۱۳۷۰/۰۵/۲۳)

۳-۴) پیامدها در عرصه فرهنگی

۱) تحریف واقعیت‌ها و تغییر ارزش‌ها

عبارت "الناس علی دین ملوکهم" چه حدیث منقول از معصوم باشد یا جمله حکیمانه؛ با آموزه‌های دینی و قرآنی منطبق است که مردم یا عوام از خواص جامعه تاثیر می‌پذیرند و به مرور زمان از رفتار و سبک زندگی آن‌ها الگومی گیرند. نضج و شیوع بی تقوایی، دنیا طلبی، هوا پرستی و اشرافی‌گری در جمع مسئولان و حاکمان بطور طبیعی بر رفتار و عمل جامعه و مردم تاثیر می‌گذارد. وقتی مسئولی و صاحب منصبی بدون احراز شرط تقوا و عدالت در جایگاهی منصوب گردد، از بارزترین نتایج این انتصاب، تاثیر بر فرهنگ رفتاری و عملکردی مردم و سبک زندگی و تعاملات آن‌ها است که مردمان تحت حاکمیت نیز دچار انحراف از صراط الهی خواهند شد چنانچه تجربه تاریخی این مستند را اثبات کرده است. عاقبت و نتیجه مفسده انگیزتر نبود صفت تقوا و عدالت در حاکمان و کارگزاران آن است که علاوه بر تاثیر بر زندگی و شیوه ارتباطات عامه مردم، به دلیل دسترسی آنان به ابزار رسانه‌ای و ارتباطات، ارزش قلمداد شدن دنیا پرستی و تجمل‌گرایی و فساد آنان در بطن و متن جامعه است، یعنی "قلب واقعیت‌ها" و ارزش‌های اصیل انسانی در اجتماع و نسل‌ها و تبدیل شدن یک ضد ارزش و ضد دین به ارزش و هنجار رایج در اجتماع؛ که مردم برای رسیدن به آن از همدیگر سبقت گرفته و حرکت به سوی تجمل، دنیاگرایی، ریا، خودپرستی و تقدم منافع خودی به جای منافع عمومی و اجتماعی مرسوم می‌گردد..

رهبر انقلاب با ذکر روایت امام علی علیه السلام منقول از پیامبر اکرم (ص) که فرموده‌اند: دو دسته از امت من اگر صالح باشند امت من صالح می‌گردند و اگر فاسد و بد کردار باشند امت من نیز بد کردار می‌گردند. گفته شدای رسول خدا دو دسته کدامند؟ فرمود: عالمان (فقیهان) و حاکمان (فرمانروایان). چون این‌ها تاثیر دارند، نفوذ دارند و می‌توانند حرکت و رفتار جمعی مردم را شکل بدهند؛ هر کدام به نحوی. اما اگر این‌ها فاسد شدند، امت هم فاسد خواهد شد؛ از دو جهت: یکی از این جهت که، فساد اینها مشوق فساد دیگران است. وقتی که در راس یک نظام حکومتی کسانی باشند که اهل دنیا طلبی و دنیا پرستی و رشوه‌خواری و تجمل و این چیزها باشند، این فرهنگ در بین مردم به طور طبیعی رشد پیدا می‌کند؛ ولو آنها هیچ عملی هم انجام ندهند برای افساد مردم، نفس مشی آنها مردم را سوق می‌دهد به یک مشی مشابه آنها. . . . قیل یا رسول‌الله! و من هم؟ قال: القراء و الامراء؛ . . . «القراء» یعنی علمای دین. یکی دیگر هم «امراء»، حکام، کسانی که بر جامعه حکومت می‌کنند؛ حالا به هر شکلی که حکومت می‌کنند. . . لذا «اذا فسادا فسدت امتی، اذا صلحا صلحت امتی». حالا وای به حال امثال بنده و جنابعالی که هم جزو قرائیم، هم جزو امرائیم که آن وقت این تاثیرما، دیگر تاثیر مضاعفی خواهد بود. پناه می‌بریم به خدا. (شرح حدیث در ابتدای درس خارج؛ ۱۳۸۴/۰۳/۱۶)



نتیجه‌گیری

وجود عدالت در حاکمان و صاحبان مناصب حکومتی از ضرورت‌های غیرقابل انکار برای جلب رضایت مردم است و نقش اساسی در دوام و بقای حکومت دارد. از پیامدهای وجود عدالت در مسئولان

در سلسله مراتب نظام حکمرانی، می‌توان به فراوانی نعمت، رضایت‌مندی مردم، گشایش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ادای حقوق متقابل مسئولان و مردم، عدالت‌گستری، مبارزه با ظلم و ستم، وحدت و انسجام ملت و افزایش کارآمدی حکومت سخن به میان آورد. از طرفی فقدان عدالت در حاکمان و وجود فساد در صاحب‌منصبان نظام سیاسی، خسارت‌هایی گاه غیرقابل جبران در پی دارد. بدیهی است ملت و دولت با وجود ظلم و ستم هرگز دوام و بقا نخواهد داشت.

بعلاوه؛ وجود قوانین عادلانه برای رفع تبعیض در توزیع امکانات، منابع و فرصت‌ها و اهتمام به زدودن محرومیت، فقر، بیکاری، گرانی و امثال آن‌ها نیز از جمله شاخص‌ها است. در ضلع سوم این مجموعه مردم قرار دارند که باید با آگاهی از حقوق اساسی و ملی خود نسبت به مطالبه آن از هیچ اقدامی دریغ نوزند چرا که اجرای عدالت و مبارزه با ظلم و فساد هزینه‌ها و دشواری‌های خاص خود را داشته و دارد. که شهادت پیشوایان دین و علمای انقلابی از هزینه‌های آن بوده است. در قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم و شریعت اسلامی همواره به شرط عدالت در نظام حکمرانی اسلامی تأکید شده است و اصولاً وجود عدالت نشانه اسلامی بودن حکومت است. تاجایی که شرط اصلی مشروعیت ولایت فقیه را در کنار شرایط دیگر؛ شرط عدالت دانسته‌اند. در منظومه فکری امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، اجرای عدالت و مبارزه با فساد و بی‌عدالتی برای هر صاحب منصبی که جزو دستگاه قدرت بوده و مال و ناموس جامعه تحت قدرتش باشد لازم و واجب دانسته شده است. قانون اساسی نیز به گونه‌ای تنظیم شده است که هر چند خلاءهایی در زمینه لزوم شرط عدالت در آن مشاهده می‌شود، اگر به درستی اجرا شود به عدالت اجتماعی منجر می‌گردد. لکن پیشنهاد می‌شود در نظام جمهوری اسلامی، به دلیل هویت اسلامی‌اش؛ چنانچه برای تصدی منصب رهبری و ریاست جمهوری احراز عدالت شرط شده برای مناصب میانی همچون وزراء، استانداران، مدیران کل، روسای سازمان‌ها و ارگان‌های انقلابی و نهادهای امنیتی و نظامی، نمایندگان مجلس و غیره. . . . نیز احراز شرط عدالت لزوم داشته و نظارت جدی در وجود یا عدم وجود شرط عدالت در انتصاب آنان صورت پذیرد. چرا که کمترین نشانه بی‌عدالتی و فساد و تبعیض باعث ایجاد شکاف‌های اجتماعی و نارضایتی مردم و سوءاستفاده دشمنان می‌گردد. انطباق اعمال و گفتار مسئولان و خدمت بی‌منت به مردم و شایسته‌سالاری می‌تواند زمینه‌ساز عدالت ورزی باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای

امام علی (ع) (۱۳۸۰)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، (قم، نشر مشهور)

- ۱) ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة ج ۴، تحقیق عبدالسلام هارون، محمد، (قم، مرکز النشر)
- ۲) الحسینی مراغی، سیدمیرفتاح، ۱۳۱۷ ق، العناوین، ج ۲، ص ۷۲۶ موسسه نشر اسلام ۱۳۷۹
- ۳) پگاه حوزه (۱۳۸۵)، منزلت عدالت در مقام هستی و نظم اجتماعی، شماره ۱۸، فروردین، (قم، حوزه علمیه)
- ۴) پیروز، علی آقا و دیگران (۱۳۸۴)، مدیریت در اسلام، (قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
- ۵) تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۹)، غررالحکم و دررالکلم؛ گفتار امیرالمؤمنین علی (ع)، ترجمه سید حسین شیخ الاسلامی، چ پنجم، (قم، انتشارات انصاریان)
- ۶) جاویدی، مجتبی (۱۳۹۳)، عدالت اجتماعی و چالش‌های ناشی از فقدان آن، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی صدرا، شماره ۱۰ تابستان ۱۳۹۳، (تهران، دانشگاه امام صادق (ع))
- ۷) خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۸۰)، فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۲/۱۰، (تهران، <http://Khamenei.ir>)
- ۸) خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۷۵)، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امام علی(ع)، <http://Khamenei.ir> ۱۳۷۵/۹/۵
- ۹) خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۷۵) حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، جلد ۱، (تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی)
- ۱۰) خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۷۶) حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، جلد ۸، (تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی)
- ۱۱) آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۶ نسیم سحر، ص ۲۴۴، نشر انقلاب اسلامی
- ۱۲) خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۸۳)، بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس هفتم، <http://khamanaei.Ir> ۱۳۸۳/۳/۲۷
- ۱۳) خمینی(ره)، امام سید روح‌الله (۱۳۸۸) صحیفه امام، (تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام)
- ۱۴) خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۶۸)، تحریرالوسیله، جلد ۱، (قم، دفتر نشر حوزه علمیه)
- ۱۵) خمینی(ره)، امام سید روح‌الله (۱۳۶۳)، البیع، جلد ۲، چ سوم، (قم، مؤسسه اسماعیلیان)
- ۱۶) خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۷۸)، ولایت‌فقیه، (تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی (ره))
- ۱۷) خمینی و اندیشه حکومت اسلامی ج ۶ سایت امام خمینی (ره) <http://khomaini.ir>
- ۱۸) خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶)، شرح غرر و درر آمدی، (تهران، دانشگاه تهران)
- ۱۹) دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۰)، دلالت دولت، (تهران، نشر دریا)

- ۲۰) دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، سیره نبوی، دفتر دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)
- ۲۱) راغب اصفهانی، حسین (۱۳۶۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، (تهران، نشر مرتضوی)
- ۲۲) زیرک باروقی، اصغر (۱۳۹۳)، خوئینی غفور، مقاله درآمدی بر جایگاه عدالت در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) مجله حکومت اسلامی، ص ۳۳ شماره دوم (قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری)
- ۲۳) شریعتمداری جزایری، سید نورالدین (۱۳۹۰)، جایگاه عدالت در فقه سیاسی شیعه و دیدگاه امام خمینی (ره)، (تهران)
- ۲۴) عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، ج ۲، (تهران، امیرکبیر)
- ۲۵) فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۰)، تئوری عدالت در حکومت اسلامی، ولایت فقیه، کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی؛ پیشینه و دلایل ولایت فقیه، جلد ۴، تهران.
- ۲۶) فتحی، محمد و کاظم کوهی (۱۳۹۷)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، نشر پژوهشکده شورای نگهبان)
- ۲۷) فراهیدی ازدی، عبدالرحمن خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، معجم العین، (قم، مؤسسه دارالهجره)
- ۲۸) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، ج اول، ج ۴، ترجمه مصطفوی، (تهران، المكتبه الاسلامیه)
- ۲۹) مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق) بحارالانوار، ج ۶۹، (بیروت، احیاء التراث العربی)
- ۳۰) مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، عدل الهی، (تهران، صدرا بی تا)
- ۳۱) نظری، فرشاد (۱۳۹۳)، عدالت و سیاست، (تهران، دانشگاه امام صادق (ع))
- ۳۲) مراد زاده، علی (۱۳۹۷)، مبارزه با فساد و اجرای عدالت ص ۱۶۱، نشر ناد تهران
- ۳۳) مراد زاده، علی (۱۳۹۷)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ص ۶۵، نشر ناد، تهران